

## الزامات و تسهیلات پیمان کپی رایت برای کشورهای در حال توسعه

دکتر یورگن بلوم کویست

یکی از محورهای مهم بحث قبلی من قراردادهای بین‌المللی بود که ما هم‌اکنون با آنها سروکار داریم. آیا حمایت باید بدون ثبت بنا نهاده شود؟ یا نه، ثبت باید شرطی برای حمایت باشد؟ برای امضای کپی رایت از طرف شما نباید شرطی باشد، بلکه قانون ملی شما باید معاملات ملی را پایه‌گذاری کند. این همان چیزی است که خارجی‌ها از آن حمایت می‌کنند. در معاهدات، از حداقل حمایت‌هایی که آثار ملی ما از آنها برخوردارند، آنها نیز باید برخوردار شوند.

البته حاصل کار نویسنده یک کلید است. وقتی ما در بازه انتشار و بازتولید اثر صحبت می‌کنیم، همان‌طور که امروزه از آن استنباط می‌شود، فقط تولید دوباره به وسیله چاپ یا افست کردن کتاب مورد نظرمان نیست، بلکه کپی کردن و ذخیره آن در حافظه کامپیوتر و فرستادن آن روی اینترنت را نیز شامل می‌شود.

وقتی شما یک کپی از کار بر روی حافظه کامپیوتر خود که به اینترنت وصل است تهیه می‌کنید، این خود یک تولید مجدد و بنابراین مشمول

مقررات کپی‌رایت است. حقوق تولید مجدد و حق ترجمه در محدوده‌ای است که در آن امکاناتی برای بعضی معاهدات کشورهای پیشرفته، که در مدت کوتاهی به آن‌ها پیوسته‌اند، وجود دارد. تضمین‌هایی برای حق توزیع نیز باید وجود داشته باشد. توزیع، به معنای توزیع فیزیکی کپی‌های اثر، تا اندازه‌ای محدود است، زیرا تنها اولین توزیع را پوشش می‌دهد و شامل اولین فروش کپی اثر است. وقتی اثر به بازار آورده می‌شود، می‌تواند مشابه کتاب‌فروشی‌های دست دوم تجدیدشود یا از طریق کتابخانه‌های عمومی، بدون این‌که نویسنده یا ناشر هیچ‌گونه حقی داشته باشند، امانت داده شود.

این حداقل حمایت است و اگر شما این طریق را انتخاب کنید حمایت بیشتر WIPO می‌تواند در قانون ملی جاری شود، اما مجبور به انجام آن تحت توافقنامه TRIPS نیستید. ممکن است پرسید که اگر حق توزیع در اولین فروش از بین می‌رود، آیا چیز با ارزشی است؟ بله، زیرا تنها کپی‌های مجاز قانونی را پوشش می‌دهد و بدین معناست که اگر آثار، بدون اجازه، دوباره چاپ شوند و نسخه‌های چاپ‌شده فروخته شوند حقوق قابل اجرا خواهند بود، برای این‌که توزیع کتاب چاپ‌شده بدون مجوز در کتاب‌فروشی‌ها متوقف می‌شود.

وقتی درباره چاپ بدون اجازه کتاب صحبت می‌کنیم، فهمیدن این‌که چه کسی واقعاً کتاب را چاپ کرده است بسیار مشکل است؛ اما اگر شما کسی را بیابید که به طور غیر قانونی کتاب را می‌فروشد، از طریق او می‌توانید شخصی را که قانون‌شکنی کرده است نیز بیابید. باید در زمینه انتشار و توزیع در بین عموم، حقوق انحصاری وجود داشته باشد.

با در نظر گرفتن نقش انتشار، این امکان وجود دارد که حق انحصاری با یک مجوز جایگزین شود و به مؤلف نیز مبلغی پرداخت گردد. او باید مبلغی مناسب دریافت کند و جنبه‌های اخلاقی نیز باید در نظر گرفته

شود. این امکان وجود دارد که قوانینی در این زمینه پایه‌ریزی شود، زیرا آن‌ها نمی‌توانند از انتشار کتاب‌ها جلوگیری کنند.

همچون حقوق انحصاری، حق اجزای عمومی نیز باید مراعات و استیفا شود، مانند اجرای نمایش در تئاتر، نواختن موسیقی در کنسرت یا نواختن موسیقی به عنوان موسیقی متن و موسیقی فرعی در فروشگاه‌ها و غیره. البته این حقوق هرگز در عمل نمی‌توانند جوابگو باشند، مگر این‌که در مجموع به وسیله سازمان‌های دارای حق بین‌المللی و ملی بتوانند استیفا شوند و از دارندگان حق حمایت کنند. به همین دلیل است که ما آن را مدیریت جمعی کپی‌رایت می‌نامیم.

همچنین، در ارتباط با اینترنت، من تمام معاهدات را تا سطح موجود، که شامل معاهدات اینترنت WIPO می‌شود، مورد بررسی قرار دادم. آثار مختلف از طریق شبکه ارتباطی جهانی شبیه اینترنت، که باید به وسیله حق انحصاری پوشش داده شود، قابل دسترس می‌شوند. همان‌طور که گفتم، ذخیره‌سازی اثر در کامپیوتری که به اینترنت وصل است با حق تولید مجدد پوشش داده می‌شود، اما شخصی که تولید مجدد می‌کند لازم نیست همان شخصی باشد که دسترسی از اینترنت به کامپیوتر ذخیره‌کننده اثر را باعث شده است و لذا به طور مجزا با حقوق در دسترس قراردادین اثر پوشش داده می‌شود. بنابراین به حقوق متفاوتی نیاز است و اجتناب از آن خیلی مشکل است. ما درباره دنیای پیچیده‌ای صحبت می‌کنیم و نمی‌توانیم قانونی را که از دنیای واقعی ساده‌تر باشد وضع کنیم.

وقتی میثاق برن برای آخرین بار مورد مذاکره واقع شد، بعضی از عبارات اساسی بیان شده در کنفرانس دیپلماتیک استکهلم در سال ۱۹۶۷ را در نظر گرفت. درباره این‌که آیا قوانین مورد بحث برای کشورهای در حال توسعه مناسب خواهند بود یا نه خیلی بحث شد و بسیاری از

کشورهای در حال توسعه واقعاً احساس کردند که مسأله این نیست و خاطر نشان کردند که مشکل اصلی در بخش‌های تحقیقی و آموزشی است و این‌که تهیه کتاب‌های کافی با قیمت مناسب دشوار است.

دریافت مجوز برای ترجمه کتاب به زبانهای ملی از نظر سیاسی یک مشکل بزرگ به حساب می‌آمد که راه حل آن در سال ۱۹۶۷ در استکهلم پیدا شد؛ بدین ترتیب که در میثاق برن، پروتکل مرتبط با این موضوعات تدوین شد، اما محتوای آن برای بسیاری از کشورها قابل قبول نبود. بنابراین، همه بدون اجبار، با مدرن کردن قوانین اساسی میثاق برن موافقت کردند. به همین دلیل، یک کنفرانس دیپلماتیک جدید در سال ۱۹۷۱ در پاریس - جایی که تنها موضوع مورد بحث معاملات امتیازی کشورهای در حال پیشرفت بود - برگزار شد. در آنجا، دولت‌ها ترتیبی دادند تا به توافقی دست یابند که به طور کلی مورد قبول باشد. این کنفرانس طولانی‌تر از پروتکل میثاق برن نبود، اما ضمیمه میثاق برن شد و به گونه‌ای ثابت ماند که با مرجع توافقنامه‌های TRIPS مرتبط با میثاق برن و نیز مرجع معاهدات کپی‌رایت WIPO مربوط به میثاق برن پوشش داده می‌شود. در این ضمیمه، معاهدات جدیدتر نیز به کار گرفته می‌شود و تسهیلاتی نیز دارد.

یکی از روش‌های تسهیلاتی، در دسترس قرار گرفتن کتاب‌هایی است که در تحقیق و آموزش استفاده می‌شوند. آموزش به معنای تمام انواع آموزش سازمان یافته است و فقط مدرسه، دانشگاه و... مورد نظر نیست. طبق این مقررات تسهیلاتی، ترجمه و انتشار کتاب‌ها یک سال بعد از توزیع کتاب با یک مجوز غیر داوطلب مجاز است. شخصی که می‌خواهد چنین کاری انجام دهد باید با ناشر اصلی تماس بگیرد.

حالا اگر ناشری که کتاب‌ها را فروخته است کناره‌گیری کند چه باید کرد؟ در مرکز اطلاعاتی کپی‌رایت ملی و بین‌المللی در یونسکو چنین موارد

مشابهی جریان داشته است. در اکثر موارد عملی، وقتی کشورهای در حال توسعه به ناشر کشور پیشرفته نیاز داشته باشند، ما دوست داریم کتابش را منتشر کند و نه ماه وقت دارد که خودش آن را منتشر کند، در غیر این صورت، شما این کار را تحت یک مجوز غیر داوطلب انجام خواهید داد.

در بیشتر مواقع، کتاب به وسیله ناشر اصلی که خودش می‌خواهد و یا از طریق یک توافقنامه (در حکم مجوز) که ناشر خودش تقاضا می‌کند منتشر می‌شود. اما، در هر صورت، اگر ناشر اصلی نخواهد آن را ترجمه کند و منتشر سازد، این کار می‌تواند تحت یک مجوز غیر داوطلب انجام بگیرد. این مسأله در میثاق برن، که قصدش پایین آوردن قیمت مجوز غیر داوطلب بوده است، نیز مشخص شده است. آن‌ها معتقدند این‌گونه کتاب‌ها باید در یک حد متعارف در بازار وجود داشته باشد.

در کنار مقررات فوق، یک سلسله مقررات هم برای کتاب‌های غیر آموزشی و غیر تحقیقی در نظر گرفته شده است. در مورد این کتاب‌ها، محدودیت زمانی، به عنوان مثال، تا اندازه‌ای طولانی‌تر است. این زمان، برای کتاب‌های علمی و تکنیکی و ریاضی سه سال، برای کتاب‌هایی نظیر داستان و شعر و نمایشنامه و موارد مشابه هفت سال، و برای مابقی کتاب‌ها پنج سال است. پس، تأخیر زمانی در بخش انتشار کتاب‌های عمومی طولانی‌تر از بخش انتشار کتاب‌های آموزشی است.

در غیر موارد مذکور، مقررات در جزئیات کم و بیش با هم مشابه‌اند. در پایان سخنان خود، بهتر می‌بینم که چند کلمه‌ای هم راجع به تأثیر عملی مقررات سخن گویم. بنده صادقانه عرض می‌کنم که از یک مورد ساده، که واقعاً با این ضمیمه قابل حل بود، آگاه نبودم؛ و آن این است که ابتدا، به‌طور رسمی، باید با ناشر ارتباط برقرار کنید. اگر شما کتابی را انتخاب کرده‌اید، ممکن است پیدا کردن کسی که هم‌اکنون صاحب حق است مشکل باشد، اما در عمل واقعاً چنین نیست. معمولاً کتاب جدید

است که کشورهای در حال توسعه علاقه‌مند به انتشار آن هستند. اگر کتاب برای بازار عمومی باشد، محدودیت زمانی آن خیلی طولانی است. حتی برای کتاب‌های آموزشی و تحقیقی، قبل از این که شما بتوانید شروع به چاپ کنید، زمانی طولانی قریب دو سال وقت صرف می‌شود. لذا شما می‌توانید با دارنده حق اصلی تماس برقرار کنید یا از طریق مجوز غیر داوطلب کار را انجام دهید؛ زیرا دارنده حق، به طور آشکار، دلیل استفاده کردن از مجوز غیر داوطلب را می‌داند و من گمان می‌کنم که این برنامه عملی باشد. به عنوان مثال، دوستان هندی من که برای سال‌های مورد نیاز انتظار می‌کشیدند، گفته بودند که واقعاً داشتن مجوز غیر داوطلب خیلی مهم است و این امر در مقابل ناشران خارجی خوشایند بوده است.

این بدان معناست که ما به سنتی دست یافته‌ایم که آن‌ها به ما حق یا سطوحی از حقوق را، که عاقلانه هستند، می‌دهند و ما قادر خواهیم بود، با استفاده از این حقوق، کتاب‌هایمان را منتشر کنیم که هنوز یک تجارت خوب به حساب می‌آید.

در هر حال، این مقررات وجود دارند و می‌توانند در نکات تکنیکی، که من قصد وارد شدن در جزئیاتش را ندارم، استفاده شوند؛ اما دولت باید از این جزئیات آگاه باشد. این برای دولت لازم است که بیانیه‌ای برای مدیر کل واپیو تهیه کند مبنی بر این که می‌خواهد از این مقررات استفاده کند. بعضی از بخش‌های موافقت‌نامه TRIPS با این مقررات درگیر است، زیرا آن بیانیه باید هر ده سال یک بار مورد تجدید نظر قرار بگیرد. اکنون ده سال از روزی که میثاق برن اجباری شده گذشته است و این بدان معناست که اگر امروز ایران بیانیه‌ای تهیه کند مجبور خواهد بود در سال بعد، در پاییز یا بهار سال بعد، آن را تکرار کند؛ زیرا چیزی که در ده سال گذشته - که از سال ۱۹۹۴ شروع شده - وجود داشته این بوده است که یک کشور در حال توسعه برای تجدید بیانیه اقدام نکرده است و در نتیجه

فرصت استفاده از این ضمیمه را از دست داده است؛ و این مطلبی مهم است که دولت باید از آن آگاه باشد.

### پرسش و پاسخ

**پرسش:** کنوانسیون‌های برن و رم مقررات اجرایی ندارند و این ضعف این دو کنوانسیون است که در حقیقت اتحادیهٔ برن و وایپو نهایتاً با آن مواجه هستند. ولی وقتی مواد ۴۱ و ۶۲ موافقت‌نامهٔ تریپس در ارتباط با اجرای مقررات است و این قدر دقیق تکالیفی را بر عهدهٔ دولت‌ها گذاشته و مادهٔ ۴۱ تصریح کرده است که دولت‌ها باید اجرای آن را تضمین کنند، پس این نگرانی در ارتباط با اجرا در کجاست؟ وقتی دولت‌ها چنین تعهدی می‌سپارند و چنین مقرراتی وجود دارد، دیگر برای اجرای حقوق مالکیت فکری در چهارچوب تریپس، که تاکنون بیش از ۱۴۰ کشور عضو آن هستند، به نظر نمی‌رسد نگرانی زیادی وجود داشته باشد. نظر شما در این باره چیست؟

**پاسخ:** من با شما موافقم که میثاق‌های برن و رم مقررات ساده‌ای دارند و فقط عنوان می‌شود که دولت‌ها باید اجرای این مقررات را تعهد کنند. زمانی که دولت متعهد به پایه‌گذاری و اجرای نظام می‌شود، این مقررات، خیلی عادی و معمولی مثل قوانین و مقررات دیگر، اجرا می‌شوند. بنابراین، دارندگان حق واقعاً قادرند پرونده را به دادگاه کشانده و برنده شوند.

در توافقنامهٔ تریپس تمام جزئیات آمده است. این توافقنامه نتیجهٔ مذاکرات سیاسی است و نشان می‌دهد که یک شخص تا کجا می‌تواند جلو برود و چه چیزهایی را به دست خواهد آورد.

توافقنامهٔ ترپس مفید است. در جایی که مشکلات جدی وجود دارد، مانند به کار گرفتن کشورها برای پایه‌گذاری امکانات اجرایی و متوقف کردن نشر کتاب‌های غیرقانونی، خود را نشان می‌دهد.

به هر حال، من فکر می‌کنم مقررات اصولی خیلی خوبی وجود دارد که اگر دولت‌ها به آن‌ها نیاز دارند باید این مقررات را بپذیرند و در کارهایشان تجربه کنند. اما، به طور آشکار، در همکاری بین دولت و بخش‌های خصوصی، ابتدا باید این مقررات به وسیلهٔ دارندگان حق در بخش خصوصی اعمال شود، ولی دولت هم باید کمک کند.

پرسش: موضوعی که شاید برای جمع روشن نشده این باشد که ما مسألهٔ عضویت در کنوانسیون‌های حقوق مالکیت فکری را مطرح کردیم که کنوانسیون برن را در رأس آن‌ها می‌دانیم. علاوه بر این، کنوانسیون کپی‌رایت واپو نیز وجود دارد و باید بررسی شود که آیا ما به آن هم باید ملحق شویم یا نه.

وقتی ما عضو سازمان جهانی تجارت شویم، چه راحت و چه مشکل، دیگر نیازی به عضویت در این کنوانسیون‌های مالکیت فکری به طور جداگانه نداریم و اولویت ما، در واقع، عضویت در سازمان جهانی تجارت است. آیا این درست است؟

پاسخ: بله، اعتقاد راسخ من هم همین است. شما باید این کار را انجام دهید. وقتی شما به چیزی احتیاج دارید، خودتان باید تصمیم بگیرید. البته توافقنامهٔ ترپس بخشی از یک توافقنامهٔ پیچیده است و لذا ملاحظات بسیاری نیز در آن وجود دارد. از طرف دیگر، من معتقدم که معاهدهٔ مایکروکپی‌رایت چیزی است که شما باید خیلی جدی ملحق شدن به آن را در نظر بگیرید، زیرا اگر فقط به میثاق برن ملحق شوید، مثل این است که بعد از اختراع تراکتور بروید اسب بخرید!

پرسش: تکنولوژی جدید باعث می‌شود که افراد، سازمان‌های بین‌المللی را، خصوصاً در مورد اینترنت، دور بزنند و بعضی آثار را سرقت کنند. آیا سازمان متبوع شما تا به حال روی این موضوع که چه طور به افراد آموزش‌های اخلاقی داده شود، خصوصاً در مدارس، تلاشی کرده است یا نه؟ به عبارت دیگر، آیا برای افراد و دولت‌ها این مسأله را جانداخته‌اید که سرقت از اینترنت به همان اندازه زشت و ناپسند است و توابع حقوقی دارد که سرقت از افراد و شرکت‌ها و... و هر دو در عرف ملی و بین‌المللی سرقت به حساب می‌آیند؟ آیا شما تحقیقاتی در این زمینه داشته‌اید؟ چون، به هر حال، این‌ها می‌تواند برای ما تجربه مثبت و سازنده‌ای باشد.

پاسخ: فقط به طور غیر مستقیم. ما آکادمی وایپو داریم که یک مؤسسه آموزشی در چارچوب سازمانی است. ما به اصول آموزش و تعلیم معتقدیم، ولی دنیا خیلی بزرگ است و نمی‌توانیم همه را آموزش دهیم. ما مجبوریم فردی را آموزش دهیم و او به خانه و کشورش بازگردد و آموزش را ادامه دهد.

تنها آموزش مستقیمی که ما انجام می‌دهیم، آموزش از طریق آکادمی وایپو است که دوره‌های آموزشی از راه دور دارد و برای عموم آزاد است و مردم می‌توانند اطلاعات و آموزش‌های پایه‌ای در باره مالکیت فکری را از این طریق به دست آورند. مدیر کل ما نیز گفته است که در مورد کپی‌رایت آموزش‌هایی باید در کلاس‌های اولیه مدارس به کودکان داده شود، اما چه گونه باید این کار انجام شود، هنوز مکانیزمی برای آن تعریف نشده است.

ما باید دانش و معلومات لازم را به معلمان بدهیم. این باعث می‌شود که معلمان این دانش را کسب کنند و آن را در سطح مدارس و کشور خود پخش کنند، زیرا آموزش کودکان در فرهنگ‌های متفاوت به طرق مختلف

صورت می‌گیرد. من مطمئن نیستم که قادر باشیم به یک کودک چینی یا ایرانی بیاموزیم که به این چیزها احترام بگذارد. این یک مسأله فرهنگی و دارای روش خاص خود است. تلاش اصلی ما این است که آموزش را در سطح وسیعی انجام دهیم. وقتی ما مردم را آموزش می‌دهیم از آنها انتظار داریم که وقتی به خانه و کشور خود بازمی‌گردند، کار را در آنجا ادامه دهند.

